

دولت و شبکه های غیرمتشکل تأمین اجتماعی

کارآمدی تورایمی و جایگاه شبکه های غیرمتشکل

دکتر فیروزه خلعت بری

مقدمه

پوششی توسط دو نهاد بازار و دولت برای ارائه منابع لازم جهت تأمین اجتماعی به کار گرفته می شود. بنابراین انواع بیمه های خصوصی و دولتی و انواع سازمانهای بیمه ای ملی و خارجی در آن کشورها فعال می شوند. در همین راستا، با عنایت به نظریه های مختلف، انواع ابزارهای پوششی جدید ایجاد می شود تا خطرهای مربوط به ابزار نخستین را هم برای بیمه گر تعدیل کند.

در جوامع در حال توسعه، پوششهای تأمینیه ارائه شده از طرف دولت بسیار محدود است. با وجود این، دیده می شود که افراد در جوامع در حال توسعه هم کم و بیش تورهای ایمنی ویژه ای برای خود فراهم می آورند. این تورها در

یکی از رسالتهای پذیرفته شده دولتها، فراهم آوردن شبکه تأمین اجتماعی و پوشش دادن به انواع آسیب پذیرهای افراد در جامعه است. این شبکه براساس نیازهای اقتصاد ملی به شکلهای متفاوت به گروههای مختلف مدد می رساند. در مواردی حتی دولت خانه های ارزان قیمت در اختیار سالمندان قرار می دهد. با وجود این دیده می شود که دولت در کشورهای در حال توسعه عنایتی محدود به موضوع تأمین اجتماعی دارد و خانواده های ندرت تر بیش از خانواده های دارا تر خود را در مقابل این فقدان پوششهای تأمینیه آسیب پذیر می دانند. در کشورهای پیشرفته، انواع ابزارهای

گروه‌های خاصی از جامعه بسیار گسترده است، اما در مورد گروه‌های فقیرتر تور ایمنی بسیار محدود است و پوشش فراگیر ندارد.

از طرف دیگر، این نکته قابل توجه است که ماهیت تأمین اجتماعی و امکانات پوششی

بر تصمیم فرد برای کار کردن، پس انداز کردن و رفتارهای مشابه اثر می‌گذارد. شناسایی تأثیر

کلی نظام تأمین اجتماعی بر اقتصاد ملی و رفتارهای فردی به الگوهای پیچیده‌ای نیاز دارد

که در حال حاضر دست کم برای کشورهای در حال توسعه وجود ندارد. هدف از این مقاله،

شناسایی انواع نظام‌های پوششی به کار گرفته شده در کشورهای در حال توسعه است.

تفاوت بین بیمه بخش متشکل با پوشش بیمه‌ای بخش غیرمتشکل

در مقایسه بین انواع پوشش بیمه‌ای در بخش متشکل با پوشش بیمه‌ای در بخش غیرمتشکل

می‌توان به چند نکته اشاره کرد:

۱- بیمه ارائه شده در بخش متشکل در بیشتر موارد جنبه اجباری دارد. نپرداختن حق تأمین

اجتماعی جرم تلقی می‌شود. برعکس در بخش غیرمتشکل هیچ اجباری به انجام بیمه وجود

ندارد.

۲- بیمه بخش متشکل رفتار و قاعده‌های هماهنگ را برای همه بیمه شدگان عرضه

می‌کند، در حالی که بیمه غیرمتشکل هیچ قاعده‌ای را مبنای قرار نمی‌دهد.

۳- خطرهایی که بیمه متشکل برای آنها پوشش

می‌گذارد، همه معرفی شده و مشخص هستند، در حالی که بیمه غیرمتشکل در بیشتر موارد خطر نامشخصی را هدف قرار می‌دهد. بنابراین مقدار بیمه با نوع خطر بیمه شده ارتباط مشخصی ندارد.

۴- در بیمه بخش متشکل، زمان استفاده از بیمه بر اساس قاعده‌ای تعریف شده صورت می‌گیرد،

در حالی که در بخش غیرمتشکل، زمان استفاده از بیمه می‌تواند بر اساس تشخیص شخص

آسیب دیده و نظری در مورد وضعیت آینده و احتمالات پیش روی وی تغییر کند.

۵- منابع بیمه متشکل در تمام موارد در بازارهای مالی رسمی کشور سرمایه‌گذاری می‌شود. از

آنجا که توسعه بازارهای مالی با توسعه اقتصادی ملی همراه است، به احتمال زیاد گسترش خدمات

تأمینی در بخش متشکل عاملی برای سرعت گرفتن رشد در اقتصاد ملی می‌شود. منابع بیمه‌ای

در بخش غیرمتشکل به صورت دارایی‌های با ارزش با ثبات یا دارایی‌های غیرمولد نگاهداری

می‌شود. بنابراین، این منابع هرگز به بازارهای مالی راه نمی‌یابد و نمی‌تواند عامل توسعه

باشد. در مقابل، در بیشتر موارد مشاهداتی وجود دارد که نشان می‌دهد بیمه غیرمتشکل می‌تواند

بازدارنده توسعه باشد.

۶- بیمه‌های غیرمتشکل رفتار برابری با زنان در مقایسه با مردان ندارند. از این نظر، طرح‌های پوششی غیرمتشکل بین زنان و مردان تبعیض

قائل می‌شود.

۷- ارزش منابع بیمه‌ای متشکل در بیشتر موارد

سیر صعودی می‌پیماید و تغییرات آن ضربتی نیست. در بخش غیرمتشکل تغییرات ارزش همراه با نوسان است و در بیشتر موارد سیر نزولی را می‌پذیرد.

با عنایت به تفاوت‌های اشاره شده لازم است روند بیمه غیرمتشکل و نحوه تبدیل آن به انواع بیمه‌های متشکل شناسایی شود. در مقاله حاضر برخی از ویژگی‌های بیمه غیرمتشکل بررسی شده است.

تأمین اجتماعی و آداب زندگی جمعی

در کشورهای توسعه یافته، دولت وظیفه خود می‌داند که پوشش تأمین اجتماعی را در حد امکان فراگیر سازد. در کشورهای در حال توسعه، ترتیبات پوششی و تأمینی به جای آنکه از جانب دولت ارائه شود، به شکل فردی و در شبکه غیرمتشکل کشور ارائه می‌شود. در این کشورها، خانوارها برای پوشش دادن به مخاطراتی که پیش رو دارند از منابع پس‌اندازی شخصی خود استفاده می‌کنند. در مواردی در وضعیت بحران، دارایی‌های بادوام، مانند فرش، فروخته می‌شود. خانوارها به شدت به رسم هدیه دادن و هدیه گرفتن در حد اقدامی جبرانی اعتقاد دارند. دادن هدیه به صورت طلا و جواهر در مواقع ازدواج و جشنهای خانوادگی به حدی مرسوم و اجباری دیده می‌شود که اگر کسی در مراسم ازدواج فرزند یک خانواده شرکت کند، آن خانواده دینی بردوش خواهد داشت که باید در مراسم مشابهی برای آن شخص شرکت کند و هدیه‌ای مشابه

را به وی یا خانواده وی بپردازد. تأمین درآمد برای تداوم زندگی همیشه یک دل مشغولی اساسی در خانوارها محسوب می‌شود. در موارد متعدد افراد با روی آوری به چند پیشگی، منابع مالی اضافی مورد نیاز خود را به دست می‌آورند. وقتی نیاز مالی بروز می‌کند، گسترش ساعات کار تا محدوده شبانه روز می‌تواند ادامه داشته باشد. این نوع بیمه غیرمتشکل در بیشتر موارد ناکافی است و در مواقع بروز بحران نمی‌تواند مشکلات خانوار را رفع کند. مشکل بزرگ‌تر این است که رفتارهایی که برای پوشش دادن به وضع خانوارها در شبکه تأمینی غیرمتشکل به کار گرفته می‌شوند، همه در نفس خود ضد توسعه‌ای است.

در کشورهای کم درآمد، توان بحران‌زدایی خانوارهای نادر بسیار محدود است و بدون حمایت سازمان یافته دولت، این گروه قادر نخواهند بود شبکه پوششی مورد نیاز خود را در اختیار داشته باشند. گفته می‌شود که دولت می‌تواند با برنامه‌ریزی درست از آسیب‌پذیری جدی مردم نادر بکاهد و با این شیوه تحرک اجتماعی و اقتصادی را افزایش دهد. ایجاد شبکه‌های خود-تنظیمی تأمین اجتماعی و بهبود امکان دسترسی به اعتبارات از جمله اقداماتی است که می‌تواند بر توان پوششی منابع پس‌اندازی مردم بیفزاید.

در ارزیابی سرمایه انسانی در سراسر جهان، دو عامل نداری و آسیب‌پذیری پیوسته در کنار

یکدیگر قرار گرفته‌اند. خانوارهای زیادی در کشورهای در حال توسعه پیوسته در معرض خطر بروز بیماری، تغییرات شدید جوی، بحرانهای اقتصادی و سیاسی و مدیریت نادرست اقتصادی قرار گرفته‌اند. در موارد متعدد دیده شده که نگرانی دولتها در مورد این نوع آسیب‌پذیری، بسیار محدود شده است و دولتها دل مشغولی خود را به مواردی مانند تأمین آموزش، بهداشت و سلامتی کلی خانوارهای کشور متمایل کرده‌اند. (Jacoby and Skoufia, 1997; Hoddinott & Kinsey 1998; Rose, 1999)

کاربرد دانش فنی روز آمد آکراه دارند بنابراین سطح زندگی آنها از حد متعارف در کشورهای خود پایین‌تر قرار می‌گیرد. در این کشورها، با کوچکترین نابسامانی، خانوارهای نادر و آسیب‌پذیر به ورطه فقر کشانیده می‌شوند زیرا داراییهای مادی آنها کفاف پوشش دادن به وضعیت نابسامان آنها را نمی‌دهد.

با این اوصاف، موضوع خطر و خطرپذیری در شمار عمده‌ترین مباحثی است که در کشورهای در حال توسعه در قالب رفاه مطرح می‌شود. در کشورهای در حال توسعه، شبکه‌ای که به این ناهنجاریها و آسیب‌پذیریها خاتمه می‌دهد، توسط دولت یا مکانیزم بازار هدایت نمی‌شود، اما توسط شبکه غیرمتشکل خصوصی تأمین می‌شود. انواع فعالیتهای مولد درآمد موقت و دوره‌ای، مانند فروش داراییها و اموال، قرض‌گیری از دوستان و آشنایان و اقدامات مشابه، برای تأمین نیازهای مالی این خانوارها به کار گرفته می‌شود (Alderman and Paxson, 1994; Besley 1995; Morduch, 1995; & Haddad & Zeller, 1996)

در کشورهای در حال توسعه، تداوم آیین هدیه دادن در مراسم مختلف را می‌توان نوعی تأمین اجتماعی محسوب کرد (Mauss, 1967). این روشهای تأمین اجتماعی در بیشتر موارد بسیار ناکافی هستند و نمی‌توانند درمان مؤثری برای مردم در کشورهای در حال توسعه باشند. آن چه بر این نابسامانی دامن می‌زند این است که شیوه‌های تأمینی غیرمتشکل در بیشتر موارد در ذات خود ضد توسعه و بازدارنده تحرک اجتماعی محسوب می‌شوند.

نگرانی تعدادی از مطالعات اخیر این است که در کشورهای در حال توسعه، سیاستهای رفاهی و تأمینی در واقع جایگزین همین پوشش غیررسمی می‌شود و چیزی بر امکانات تأمینی مردم نمی‌افزاید. اگرچه با عنایت به ناکفایی مطلق پوششهای تأمینی غیرمتشکل، دفاع از نظریه بالا ناخوشایند و غیرعقلایی دیده می‌شود، به دلیل ماهیت ضد توسعه‌ای رفتارهای تأمینی غیرمتشکل، اولویت در این است که سیاستهای تأمینی بخش متشکل بتواند انگیزه‌ای برای محدود کردن پوششهای غیرمتشکل فراهم آورد. بنابراین هر نوع رفتار یا سیاست بازدارنده توسعه پوششهای تأمینی غیرمتشکل می‌تواند مفید باشد.

توصیه عمومی برای این است که در کشورهای در حال توسعه، دولتها باید در کنار فراهم آوردن پوششهای کلی برای ضربه‌های کلان، به ارائه

سایر خدمات پوششی نیز پردازند. به عنوان مثال

وقتی زلزله یا یک آسیب محیطی فراگیر رخ می‌دهد، دولت باید نخستین نهادی باشد که در محل حاضر شود تا پوششهای تأمینی فراگیر را ارائه دهد. نمونه‌های مشخص بروز این نیاز را می‌توان مواقع وقوع سیل، زلزله، خشکسالی و آسیبهای کلان طبیعی نام برد. با وجود این، انتظار می‌رود که دامنه حضور دولت تنها به موارد بالا خاتمه نیابد و به حوزه‌های دیگر هم کشانده شود. به عنوان مثال دولت باید بتواند پوششهایی برای بیماری یا گرفتاریهای مالی خانوارها فراهم آورد یا روستاییانی که به هر دلیل با نابودی محصولات کشاورزی خود مواجه می‌شوند، بتوانند از شبکه پوششی ملی کمک بگیرند.

یکی از اقداماتی که در کشورهای در حال توسعه می‌تواند مفید واقع شود این است که بنگاههای ویژه‌ای برای اعطای منابع وامی به گروههای آسیب‌پذیر ایجاد شود. این بنگاهها باید بتوانند از یک سو منابع پس‌اندازی جامعه را جذب کنند و از سوی دیگر در مواقع نیاز منابع مالی را در اختیار متقاضیان قرار بدهند. شبکه‌های تأمین منابع خرد (micro finance) یکی از نمونه‌های شبکه‌های مالی است که می‌تواند تا حدی این نیاز را برآورده سازد. در بعضی از کشورها، مانند هندوستان، برنامه‌های کارآفرینی عمومی وجود دارد که در مواقع بروز بحران، با حداقل دستمزد شغل ایجاد می‌کنند. دستمزد پرداختی در این قبیل برنامه‌ها بسیار ناکافی است، اما برای پوشش دادن به بحران

شخصی کم و بیش کفایت می‌کند.

مستندات نشان‌دهنده خطرپذیری مشترک

آزمونهای جدیدی که مکانیزم بیمه غیرمتشکل را نشان می‌دهد، رابطه بین کل مصرف خانوار و تغییرات درآمد نظر قرار می‌دهد. هنگامی که خانوار بتواند از مکانیزم سازگاری (coping) برای هموارسازی نسبی مصرف (consumption smoothing) خود استفاده کند، نوسانات درآمد بیش از نوسانات مصرف می‌شود. در حالتی که خانوار بتواند ترتیباتی فراگیر برای تأمین نیازهای مصرفی خود فراهم کند، مصرف به طور کامل هموار می‌شود. در جوامعی که مردم برای پوشش دادن به خطرات، تمام درآمد خود را به صورت یک صندوق پوششی قرار دهند، و به شرط آنکه درآمد هر خانوار بخش کوچکی از مجموعه درآمدی موجود در صندوق پوششی باشد، مصرف هر خانوار نسبت به خانوارهای هم‌جوارش باید تابعی از کل درآمد تخصیص یافته به آن خانوار در صندوق پوششی باشد. در این حالت فرضی، درآمد اکتسابی خانوار در هر لحظه از زمان اثری بر روند مصرف وی ندارد. به بیان دیگر، تمام خطرات احتمالی که هر خانوار را به طور انفرادی می‌تواند تهدید کند، پوشش داده شده است. در این صورت، میل نهایی به مصرف در خانوارها به صفر می‌رسد. آزمونی که در این مورد توسط تاون سند (Townsend, 1994) برای نواحی روستایی هندوستان انجام داده شد، نشان داد که وضعیت

مناطق روستایی کشورهای در حال توسعه، مصرف در خانوارهای فاقد زمین یا مالک قطعات کوچک زمین زراعی، در مقابل نوسانهای درآمدی آسیب پذیری بسیاری دارد. به بیان دیگر، خانوارهایی که نتوانسته‌اند زندگی خود را با خرید زمین بزرگتر بیمه کنند، در نهایت در برابر افت درآمد آسیب پذیری زیادی دارند.

مطالعاتی که در مورد نحوه پوشش دادن به هزینه‌های درمانی در اندونزی انجام شده است نشان می‌دهد که خانوارها در مقابل ۷۰ درصد از بیماریهای متعارف توانسته‌اند پوششهایی برای خود فراهم آورند، ولی در مورد بیماریهایی که به درمانی طولانی نیاز دارد و در اصطلاح بیماریهای جدی خوانده می‌شود، درصد پوشش به حدود ۳۰ درصد محدود می‌شود. وضعیت مشابهی در مناطق روستایی در فیلیپین مشاهده می‌شود. در مورد این مناطق، جوانان بزرگسالی که به بیماریهای جدی مبتلا می‌شوند، کم و بیش می‌توانند از پوششهای تأمین غیرمتشکل برای پوشش دادن به مخاطرات دوره بیماری استفاده کنند. لاندوفاچمپس (Lund & Fafchamps, 1997) نشان داده‌اند که پوششهای بیمه‌ای در مورد جوانان بزرگسال بسیار خوب عمل می‌کند، در حالی که افراد به نسبت مسن‌تر، پوشش کمتری در برابر بیماری دارند. بیمه‌های غیرمتشکل در مورد هزینه‌های کفن و دفن هم عملکرد خوبی داشته است، هر چند که برای مواردی مانند سوخت شدن محصول، بیماریهای سبک و بیکاری افراد غیرسرپرست خانوار، دستاورد

موجود در این نواحی به تصویر بالا نزدیکی حیرت‌انگیزی دارد. در این نواحی، میل نهایی به مصرف در خانوارها در هیچ نقطه بزرگتر از ۰/۱۴ نبوده است. محققان دیگری که در این زمینه تحقیق کرده‌اند نیز پاسخهای مشابهی به دست آورده‌اند. این دستاوردها نشان می‌دهد که نوعی تأمین اجتماعی غیرمتشکل وجود دارد، ولی این پوشش کامل نیست. شاید بدبینانه‌ترین برداشت از این مطالعات این باشد که نتایج مطالعات بادستاوردی نظری برخاسته از عادت مبادله هدیه و فعالیتهای خود-تأمینی خانوارها سازگاری دارد، هر چند که شاید در نهایت هیچ یک از این مکانیزمها نتواند پوشش کاملی برای خانوار فراهم آورد (Lim و Townsend, 1988).

مطالعات مشابه در مورد کشورهای دیگر، حاکی از وجود انواع پوششهای تأمین غیرمتشکل در آن کشورهاست. به عنوان مثال، مطالعات دی تون (Deaton, 1997)، نشان دهنده نوعی مشارکت در ایجاد پوششهای تأمین غیرمتشکل در ساحل عاج است. تاون سند (1995 a,b) در تحقیقات خود نشان می‌دهد که در مناطق روستایی در تایلند، وضعیتی بینابینی وجود دارد. جلان و راوالیون (Ravallion and Jalan, 1997) نشان داده‌اند که ندرتین دهک ساکن در مناطق روستایی چین توانسته‌اند خود را در مقابل بیش از ۶۰ درصد ضربه‌های ناخوشایند درآمدی پوشش دهند. درصد پوشش تأمین در مورد داراترین دهک به ۹۰ درصد می‌رسد.

مطالعات مختلف نشان داده است که در

بیمه‌های غیرمتشکل چندان مناسب نبوده است. یکی از عوامل مهم در توانمند کردن بیمه‌های غیرمتشکل، محیط اجتماعی خانوارهاست. خانوارهایی که دوستان زیادتری دارند، به ویژه آنها که دارای دوستان بانفوذ و دارایی هستند، در دریافت پوششهای تأمینی توانا تر دیده می‌شوند. در مقابل، خانوارهایی که ارتباطات ضعیفتری دارند، از توانایی محدودتری برای دریافت پوششهای تأمینی برخوردار می‌شوند. مطالعات گسترده‌ای که در خانوارهای مختلف با ارتباطات گوناگون انجام گرفته است، اثر مثبت وجود پارتی را بر انواع مختلف مخاطرات زندگی خانوارها نشان می‌دهد. در موارد متعدد دیده شده است که وجود این ارتباطات سبب ارائه انواع پوششها می‌شود که شاید هیچ یک از آنها در شروع برقراری رابطه و شناسایی پارتی، مدنظر خانوارها نبوده است.

موارد متعدد دیگر به یکدیگر هدیه می‌دهند. طلای متعلق به زنان خانواده به عنوان آخرین منبع پشتوانه خانواده‌ها باید توسط بزرگترها یا توسط مرد خانواده به هر صورت خریداری شود. اغلب محققان رسم هدیه دادن را نوعی حسابگری عقلایی خانوارها محسوب کرده‌اند که می‌تواند نوعی بیمه غیرمتشکل هم به حساب آید. در واقع در پس‌عاداتی مانند هدیه دادن، نوعی ایجاد وابستگی وجود دارد که در نهایت سبب می‌شود گروه‌های مختلف جامعه با یکدیگر پیوند و آشنایی بیابند و بتوانند از این ارتباط در مواقع نیاز استفاده کنند. در ایران هم نمونه‌هایی از این نوع هدیه دادنها وجود دارد که هدف غایی آن ایجاد ارتباط برای پوشش تأمینی در روز مباداست. به عنوان مثال، هدایایی که کارمندان برای رؤسای خود به مناسبتهای مختلف خریداری می‌کنند یا سوغاتی که کارکنان برای رؤسای خود می‌آورند، بیشتر در این گروه قرار می‌گیرد. در چنین مواقعی، رابطه مثبت برخاسته از دریافت هدیه سبب ایجاد نوعی ارتباط می‌شود که برای پوشش دادن شخص در مقابل خطرهای مختلف می‌تواند به کار گرفته شود. شاید عجیب نباشد که با عنایت به همین ویژگی، اقتصاددانان رابطه‌ای را که بین دریافت کننده و ارائه دهنده هدیه ایجاد می‌شود، بیمه هدیه‌ای (gift insurance) خوانده‌اند. در همین چارچوب، نگاه اقتصاددانان به هدیه، درست مشابه نگرش آنها به انواع کمکهای عمومی (public aid) است.

مکانیزم بیمه غیرمتشکل

در کشورهای در حال توسعه، یکی از روشهایی که پیوند را تقویت می‌کند و آشناییها را پایا می‌سازد، هدیه دادن متقابل است. واقع امر این است که هدیه دادن نوعی پوشش تأمینی غیرمتشکل محسوب می‌شود. به عنوان مثال در شمال چین، به مناسبت تولد، مرگ، ازدواج، دیدار با بیمار و خانمی که زایمان کرده است و کمک به سالمندان، هدیه دادن مرسوم است. در ایران مردم به مناسبت تولد، ازدواج، ورود به خانه جدید، رسیدن به وضعیت شغلی خاص و

در کشورهای در حال توسعه، انواع انتقالات خصوصی به شکل پرداخت نقدی، اهدای خوراک و پوشاک و ارائه کمکهای خصوصی بسیار متداول است. به عنوان مثال، کاکس و جیمز (Cox and Jimenez, 1997)، نشان داده‌اند که ۴۰ درصد سیاهان در آفریقای جنوبی یا به دیگران کمک نقدی می‌کنند یا از آنها چنین کمکی را دریافت می‌نمایند. در کلمبیا هم انتقالات نقدی به درصد بزرگی از جمعیت می‌رسد. در تایلند و فیلیپین، به ترتیب، ۸۲ درصد و ۸۹ درصد از خانوارهای مناطق روستایی، دریافت انتقالات نقدی را گزارش کرده‌اند.

دریافت نقدی از افرادی از خانوار که به دلایل مختلف در خارج از کشور زندگی می‌کنند یا از شهری به شهر دیگر سفر کرده‌اند یا حتی از روستاها به شهرها آمده‌اند، در مواردی نقش تعیین‌کننده‌ای در زندگی دریافت‌کنندگان این وجوه دارد. در ایران این انتقالات بسیار متداول است. ایرانیانی که برای کار به خارج از کشور می‌روند، یا به هر دلیل ساکن کشورهای دیگر می‌شوند، اغلب برای خویشاوندان تراز اول خود، مبالغی نقدی ارسال می‌کنند. به عنوان مثال، ارسال ماهانه ۱۰۰ دلار برای مادر یا خانواده بسیار متداول است. این مبلغ به مراتب بیش از حق بازنشستگی دریافتی ایرانیانی است که حقوق ماهانه دارند. این قبیل دریافتها، به دلیل کاهش ارزش ریال ایران، تغییری بنیادی در زندگی دریافت‌کنندگان ایجاد می‌کند و در عین حال بار مالی خاصی برای اعطاکنندگان به

همراه ندارد. وضعیت مشابهی در بوتسوانا و تایلند مشاهده شده است. فاستر و روزنروویگ (Foster and Rosenzweig, 1999) نشان داده‌اند که در پاکستان، در دوره ۱۹۸۵ تا ۱۹۸۸، کم و بیش رقمی در حد دو - سوم منابع مالی وارد شده به کشور، از نوع منابع پرداختی توسط مهاجران بوده است. بر طبق مطالعات کاکس و جیمز (۱۹۹۵)، ۲۶ درصد خانوارهای شهری و ۱۳ درصد خانوارهای روستایی از پرداختهای انتقالی ارسالی توسط فرزندان یا اولیای مهاجران از این نوع پرداختها نفع بیمه‌ای برده‌اند. در مناطقی که مهاجرت محدود شده باشد، این نوع پرداختها بسیار کاهش می‌یابد. مطالعه فاستر و روزنروویگ بر روی نمونه‌ای از ۴۰۰۰ نفری در هندوستان نشان می‌دهد که کمتر از ۱۰۰ نفر از این گروه انواع کمکهای نقدی از این قبیل را دریافت کرده‌اند.

انتقالات مالی، به جز انتقالاتی که از خارج از کشور انجام می‌شود، نقش محدودی در پوشش تأمین خانوار دارند. در مطالعاتی که در مورد ساکنان شمال چین انجام شده است، سهم خانوارهایی که با کمک منابع دریافتی از دوستان و خویشاوندان پوشش تأمین برای خود فراهم آورده‌اند، به سختی به ۲۵ درصد می‌رسد.

یکی از راههایی که خانوارها برای ایجاد پوشش تأمین در زمانهای بروز بحرانهای اقتصادی یابدی اوضاع به کار می‌گیرند، افزایش ساعات کاری است. این خانوارها می‌کوشند تا با افزودن بر تعداد مشاغل خود ثبات درآمدی

خویش را تضمین کنند. در ایران، چند پیشگی، بسیار مرسوم است. فعالیت در بازارهای غیر متشکل باهدف تأمین درآمد چنان گسترده شده است که بیش از نیمی از شاغلان دست کم یک شغل اضافی دارند. قابل توجه است که درآمد حاصل از شغل دوم و سوم، در بیشتر موارد حتی بیش از درآمد حاصل از شغل نخست است.

یکی از روشن‌ترین نمونه‌های جایگزینی

تأمین اجتماعی غیر متشکل با تأمین اجتماعی دولتی را می‌توان در آفریقای جنوبی مشاهده کرد. زمانی که تبعیض نژادی لغو شد، دولت مزایای اصلی تأمین اجتماعی را به دو گروه سیاه‌پوست و سفیدپوست تعمیم داد.

سفیدپوستان به دلیل دریافت پوششهای بیمه‌ای

از دولت، از پوششهای بیمه‌ای خصوصی

برخوردار نبودند. سیاه‌پوستان که پیش از لغو

تبعیض نژادی زیر پوشش بیمه‌ای دولت قرار

نداشتند، عادت کرده بودند که خودنوعی پوشش

بیمه‌ای برای خویش فراهم کنند. بنابراین سیاه

پوستان منتظر دریافت منابع تأمین از طرف

دولت نبودند. بعد از عرضه خدمات پوششی

دولتی، مطالعات مختلفی در آفریقای جنوبی

انجام شد که نشان داد بیمه خصوصی و غیر

متشکل در موارد متعدد جای خود را به بیمه

عمومی داده است. جایگزینی بین ۱۵ تا ۴۰ درصد

پوششهای بیمه‌ای غیر متشکل با پوششهای

بیمه‌ای متشکل، در موارد مختلف مشاهده شده

است. در نهایت میزان جایگزینی پوششهای

بیمه‌ای دولتی با پوششهای سنتی غیر متشکل

به عوامل مختلف بستگی دارد. مهم‌ترین موارد

ارتباط زمینه پوشش داده شده توسط شبکه غیر

متشکل و ارتباط آن با روندهای پوششهای

ارزیابی هزینه جایگزینی بیمه غیر متشکل با بیمه متشکل

هر جا که مکانیزمهای بیمه‌ای غیر متشکل

عملکرد محدودی داشته باشد، هزینه جایگزینی

هم محدود می‌شود. کاکس و جیمنز (۱۹۹۵)

نشان داده‌اند که در نقاط شهری در فیلیپین

دریافتی بابت خالص انتقالات از سایر خانوارها

نسبت به بیکاری یا شاغل بودن نان آور خانوار

بسیار حساس است. میزان این حساسیت به

گونه‌ای است که در مواردی فرد بدون کمک

دولت تا حد ۹۲ درصد از آنچه را که دولت برای

وی فراهم می‌کرد، در بخش بیمه غیر متشکل

فراهم می‌آورد. به بیان دیگر، اگر دولت خود به

تأمین اجتماعی می‌پرداخت، تنها در حد ۸

درصد منابع اضافی برای این اشخاص فراهم

می‌شد.

این تحلیل از یک ضعف ساختاری رنج

می‌برد. این ضعف برخاسته از ماهیت غیر

متشکل بودن تور ایمنی سبب شده است که

مشاهده دقیق ابعاد آن بدون انجام بررسیهای

تأمینی در بازار متشکل است.

بیمه غیر متشکل و ایجاد ثبات رفتاری

مطالعاتی که در باره پوشش بیمه غیر متشکل وجود دارد نشان می‌دهد که خطر پذیری در ساختارهای غیر متشکل بسیار محدود است، هر چند که خطر می‌تواند بسیار مشهود و پرنوسان باشد. به عنوان مثال، در مناطق روستایی که وضعیت جوی عامل اصلی تغییر در درآمد روستاییان است. بنابراین جهت گیری بیمه غیر متشکل باید به گونه‌ای باشد که بتواند این نوسانها را محدود کند. در بیشتر موارد، وضعیت اقتصادی گروه تحت پوشش بیمه به گونه‌ای است که برای ایجاد ثبات رفتاری باید بیش از درآمد خود هزینه داشته باشند. مبالغ بیمه‌ای مطرح شده در طرح‌های رسمی هرگز در ابعادی نیست که تمام نیازهای بیمه‌ای را در این موارد پوشش بدهد (Rosenzweig, 1999). ایجاد نابسامانی در مورد جایگاه حضوری بیمه متشکل سبب می‌شود که وجوه پوششی در هر دو بخش متشکل و غیر متشکل کاهش یابد.

حضور بیمه غیر متشکل می‌تواند به کندی جریان توسعه در اقتصاد ملی منجر شود، زیرا در مواردی هم بیمه‌های غیر متشکل از ابعادی برخوردارند که بیمه‌های رسمی به آنها نمی‌پردازد. دختران بیش از پسران از بیمه‌های غیر متشکل بی‌نصیب می‌مانند، زیرا در کشورهای در حال توسعه نوعی هواداری از پسران در مقابل دختران وجود دارد و مردم معتقدند که

پسران می‌توانند به نان آوری کمک بیشتر بکنند. با این اوصاف وقتی انتخاب بین تخصیص منابع بیمه غیر متشکل به پسران در مقابل تخصیص آن به دختران مطرح می‌شود، دختران در بیشتر موارد از این منابع بی‌نصیب می‌مانند، به عنوان مثال در هندوستان دیده شده است که هنگام خشکسالی، تعداد نوزادان دخترتری که جان می‌بازند بیش از تعداد نوزادان پسری است که جان خود را از دست می‌دهند (Rose, 1999). وضعیت مشابهی را در مناطق روستایی دیگر کشورهای جهان نیز می‌توان مشاهده کرد. برای مثال در ایران هنگامی که منابع مالی خانواده کفایت نمی‌کند، دختران خانواده زودتر از پسران از ادامه تحصیل باز می‌مانند.

سیاستگذاری برای کاهش آسیب پذیری اقتصاد ملی

با عنایت به ویژگیهای بیمه‌های غیر متشکل، شاید سیاستگذاران بتوانند اقداماتی در جهت جایگزینی روشهای تأمینی متکی به بازار متشکل در برابر روشهای متکی به بازار غیر متشکل داشته باشند. مواردی از این سیاستها در زیر ذکر شده است:

۱- انجام اقدامات مختلف برای کاهش خطراتی که روال عادی زندگی را تهدید می‌کند. به عنوان مثال دولت می‌تواند با ارائه پوششهای مختلف، خانواده‌ها را در مواقع بحرانی زندگی به شکل سازمان یافته‌ای کمک کند.

۲- تلاش در راه بالا بردن ثبات اقتصادی در



منابع

- Ainsworth Martha, "Economic Aspects of child Fostering in Cte d'Ivoire", In T.Paul Schutlz, ed., **Research in Population Economics**, Vol. 8, pp. 25-62. Greenwich, Conn.: JAI Press, 1996.
- Alderman, Harold, "Saving and Economic Shocks in Rural Pakistan", **Journal of Development Economic**, 51 (2): 343 - 66, 1996.
- Alderman, Harold, and Christina Paxson, "Do the Poor Insure? a synthesis of the Literature on RiskSharing Institutions in Developing Countries", **Economics in a Changing World: Proceedings of the Tenth World Congress of the International Economics Association, Moscow**. Vol4. London Mac millan, 1994.
- Anand, Sudhir, and Jonathan Morduch, "Poverty and the 'Population Problem", In Massimo Livi- Bacci and Gustavo de Santis, eds., **PoPulation and Poverty in the Developing World**. Oxford: Oxford University Press, 1999.
- Banerjee, abhijit, and Andrew Newman, "Information, the Dual Economy, and Development", **Review of Economic Studies**, 65(4): 631-54, 1998.
- Bencivenga, Valerie, and Bruce D. Smith, "Financial Intermediation and Endogenous Growth", **Review of Economic Studies**, 58(2): 195-209, 1991.
- Besley, Timothy, "Non - Market Institutions for Credit and Risk- Sharing in Low- Income Countries", **Journal of Economic Perspectives**, 9(3): 115-27, 1995.
- Bledsoe, C. H., and U. C. Isiugo- Abanihe, "Strategies of Child Fosterage among Mende Grannies in Sierra Leone", In R. Lesthaeghe, ed., **African Reproduction and Social Organization**. Berkeley, Calif.: University of California Press, 1989.
- Case, Anne, and Angus Deaton, "Large Cash Transfers to the Elderly in South Africa",

- سطح کلان و کاهش تورم می تواند اطمینان خانواده ها را به تداوم عادی زندگی بیشتر کند و از نیاز به پوششهای تأمینی غیر متشکل بکاهد.
- ۳- ایجاد ثبات سیاسی که نگرانی در مورد آینده را کاهش می دهد و پس اندازها را به سوی شبکه متشکل سوق می دهد.
- ۴- برقراری خدمات بهداشتی و درمانی که سبب می شود نیاز به تخصیص منابع ویژه برای روزگار بیماری محدود شود.
- ۵- فراگیر کردن شبکه تأمین اجتماعی ارائه شده از طرف دولت.
- ۶- ارائه خدمات بیمه ای به خانواده و افراد تحت تکفل بیمه شدگان با شروط قابل تحمل.
- ۷- تشویق پس اندازهای سازمان یافته در شبکه متشکل اقتصادی.
- ۸- تشویق توسعه شبکه تأمین مالی با ابعاد بسیار کوچک (micro - financing).
- ۹- پوشش دادن به پس اندازهای کوچک در برابر نوسانهای تورمی که سبب شود این پس اندازها در گروههای کم درآمد از اولویت برخوردار شود.
- ۱۰- ایجاد زمینه های فرهنگی برای تشویق پس اندازهای پوشش داده شده به جای دادن هدایای سنتی مانند طلا و جواهر.
- ۱۱- تدوین یک برنامه پوششی برای تضمین تداوم شغلی در گروهی از مشاغل، یا کاهش آسیب پذیری در زمان بیکاری در گروهی از مشاغل رده های پایین.

❖

- Press, 1997.
- Fafchamps, Marcel, "Solidarity Networks in Preindustrial Societies: Rational Peasants with a Moral Economy", **Economic Development and Cultural Change**, 41(October): 147-73, 1992.
- Foster, Andrew, and Mark Rosenzweig, **Imperfect Commitment, Altruism, and the Family: Evidence from Transfer Behavior in Low- Income Areas**, University of Pennsylvania, Department of Economics, Philadelphia. Processed, 1999.
- Gertler, Paul, and Jonathan Gruber, "Insuring Consumption against Illness", **NBER Working paper**, 6035, National Bureau of Economic Research, Cambridge, Mass, 1997.
- Haddad, Lawrence, and Manfred Zeller, "How Can Safety Nets Do More with Less? General Issues with Some Evidence from Southern Africa", FCND (Food, Consumption and Nutrition Department), **Discussion Paper 16**. International Food Policy Research Institute, Washington, D.C. Processed, 1996.
- Hoddinott, John, and Bill Kinsey, "Child Growth in the Time of Drought", **Draft Paper**, International Food Policy Research Institute, Washington, D.C. Processed, 1998.
- Hoff, Karla, "Informal Insurance and the Poverty Trap", **Draft Paper**, University of Maryland, Economics Department, College Park, Md. Processed, 1997.
- Jacoby, Hanan, and Emmanuel Skoufias, "Risk, Financial Markets, and Human Capital in a Developing Country", **Review of Economic Studies**, 64(3): 311-36, 1997.
- Jalan, Jyotsna, and Martin Ravallion, "Are the Poor Less Well Insured? Evidence on Vulnerability to Income Risk in Rural China", **Policy Research Working Paper**, 1863. World Bank, Development Research Group, Washington, D.C. Processed, 1997.
- Jensen, Robert, **Public Transfers, Private Transfers, and the Crowding Out, Hypothesis: Evidence from South Africa, Economic Journal**, 108(450): 1330-61, 1998.
- coate, Stephen, and martin Ravallion, "Reciprocity without Commitment: Characterization and Performance of Informal Insurance Arrangements", **Journal of Development Economics**, 40 (February): 1-24, 1993.
- Cochrane, John, "A Simple Test of Consumption Insurance", **Journal of Political Economy**, 99 (5): 957-76, 1991.
- cox, Donald , and Emmanuel Jimenez, "Achieving Social Objectives through Private Transfers: A Review", **World Bank Research Observer**, 5(2): 205-18, 1991.
- "Private Transfers and the Effectiveness of Public Income Redistribution in the Philippines", In Dominique van de Walle and Kimberly Nead, eds., **Public Spending and the Poor: Theory and Evidence**, Baltimore: Johns Hopkins University Press, 1995.
- "Coping with Apartheid: Inter-Household Transfers over the Life-Cycle in South Africa", **Working paper**, Boston College and World Bank. Processed, 1997.
- "Risk- Sharing and Private Transfers: What about Urban Households?" **Economic Development and Cultural Change**, 46(3): 621-39, 1998.
- Czukas, Katherine, Marcel Fafchamps, and Christopher Udry, "Drought and Saving in West Africa: Are Livestock a Buffer Stock?", **Journal of Development Economics**, 55(2): 273-305, 1998.
- Das Gupta, Monica, "Informal Security Mechanisms and Population Retention in Rural India", **Economic Development and Cultural Change**, 13(March): 101-20, 1987.
- Dasgupta, Partha, **An Inquiry into Well-Being and Destitution**. Oxford: Clarendon Press, 1993.
- Deaton, Angus, **Understanding Consumption**. Oxford: Clarendon Press, 1992.
- Jonathan Morduch**, 205.
- The Analysis of Household Surveys: A Microeconomic Approach to Development Policy**. Baltimore: Johns Hopkins University

- The World Bank Research Observer**, Vol. 14, no. 2 (August 1999) 206.
- Malinowski, Bronislaw, **Argonauts of the Western Pacific**. London: Routledge. Mauss, Marcel, 1967.
- MicroBanking Bulletin**, Boulder, Colo.: Economics Institute. July, 1998.
- Morduch, Jonathan, **Consumption Smoothing across Space**, Harvard University, Department of Economics, Cambridge, Mass. Processed, 1991.
- **Risk, Production, and Savings: Theory and Evidence from Indian Households**, Harvard University, Department of Economics, Cambridge, Mass. Processed, 1993.
- "Poverty and Vulnerability", **American Economic Review**, 84(May): 221-25, 1994.
- "Income Smoothing and Consumption Smoothing", **Journal of Economic Perspectives**, 9 (Summer): 103-14, 1995.
- **Does Microfinance Really Help the Poor? Evidence from Flagship Programs in Bangladesh**, Stanford University, Hoover Institution, Stanford, Calif. Processed, 1998.
- . Forthcoming, "The Microfinance Promise", **Journal of Economic Literature**.
- Morduch, Jonathan, and Terry Sicular, "Risk and Insurance in Transition: Perspectives from Zouping County, China", In Masahiko Aoki and Yujiro Hayami, eds., **Market and Community in Economic Development**. New York: Oxford University Press, 1999.
- Newbery, David, and Joseph Stiglitz, **The Theory of Commodity Price Stabilization**. Oxford: Oxford University Press, 1981.
- Paulson, Anna, **Insurance Motives for Migration: Evidence from Thailand**, Princeton University, Princeton, N. J. Processed, 1995.
- Platteau, Jean- Philippe, "Traditional Systems of Social Security and Hunger Insurance", In E. Ahmad, J. Dreze, J.Hills, and A.Sen, eds., **Social Security in Developing Countries**. Oxford: Clarendon Press, 1991.
- John F. Kennedy School of Government Faculty Working Paper, Harvard University, Cambridge, Mass. Processed, 1998.
- Khandker, Shahidur, **Fighting Poverty with Microcredit: Experience in Bangladesh**. New York: Oxford University Press, 1998.
- Kipins, Andrew B. **Producing Guanxi: Sentiment, Self, and Subculture in a North China Village**. Durham, N.C.: Duke University Press, 1997.
- Kletzer, Kenneth, and Brian Wright, "Sovereign Debt as Intertemporal Barter", **Working Paper C98-100**. University of California, Berkeley, Center for International and Development Economics Research, Berkeley, Calif. Processed, 1998.
- Kochar, Anjini, "Smoothing Consumption by Smoothing Income: Hours- of- Work Responses to Idiosyncratic Agricultural Shocks in Rural India", **Review of Economics and Statistics**, 81 (February): 50-61, 1999.
- La Ferrara, Eliana, "Ethnicity and Reciprocity: An Analysis of Credit Transactions in Ghana", **Working paper**, Harvard University, Economics Department, Cambridge, Mass. Processed, 1997.
- Ligon, Ethan, Jonathan Thomas, and Tim Worall, **Informal Insurance Arrangements in Village Economies**, University of California, Berkeley, Department of Agricultural and Resource Economics. January. Processed, 1997.
- Lim, Youngjae, and Robert M. Townsend, "General Equilibrium Models of Financial Systems: Theory and Measurement in Village Economies", **Review of Economic Dynamics**, 1 (January): 59-118, 1998.
- Lucas, Robert E.B., and Oded Stark, "Motivations to Remit: Evidence from Botswana", **Journal of Political Economy**, 93(5): 901-18, 1985.
- Lund, Susan, and Marcel Fafchamps, **Risk-Sharing Networks in Rural Philippines**, Stanford University, Department of Economics, Stanford, Calif. Processed, 1997.

رررر

- Rutherford, Stuart, "The Poor and Their Money", **Finance and Development Research Programme Working Paper Series**, 3/1999. Manchester, U.K.: University of Manchester, Institute for Development Policy and Management, 1999.
- Subbarao, K., Aniruddha Bonnerjee, Jeanine Braithwait, Soniya Carvalho, Kene Esemenari, Carol Graham, and Alan Thompson, **Safety Net Programs & Poverty Reduction: Lessons from Cross-Country Experience**, Washington, D.C.: World Bank, 1997.
- Townsend, Robert, "Risk and Insurance in Village India", **Econometrica**, 62: 539-92, 1994.
- . "Consumption Insurance: An Evaluation of Risk- Bearing Systems in Low- Income Countries", **Journal of Economic Perspectives**, 9: 83-102, 1995a.
- . "Financial Systems in Northern Thai Villages", **Quarterly Journal of Economics**, 110(November): 1011-46, 1995b.
- Von Pischke, J.D, **Finance at the Frontier: Debt Capacity and the Role of Credit in the Private Economy**, EDI Development Study. Washington, D.C.: World Bank, 1991.
- Walker, Thomas, and James Ryan, **Village and Household Economis in India's Semi-Arid Tropics**, Baltimore: Johns Hopkins University Press, 1990.
- Walker, Thomas, R. P. Singh, & M. Asokan, "Risk Benefits, Crop Insurance, and Dryland Agriculture", **Economic and Political Weekly**, 21(June): A81-A88, 1986.
- World Bank, **Zambia Poverty Assessment**, vol. 5, (Participatory Poverty Assessment), Washington, D.C, 1994.
- Yaron, Jacob, McDonald P. Benjamin, and Gerda L. Piprek, **Rural Finance: Issues, Design, and Best Practices**, Environmentally & Socially Sustainable Development Studies and Monograph Series 14. Washington, D.C.: World Bank, 1997.
- . Forthcoming. "Traditional Sharing Norms as an Obstacle to Economic Growth in Tribal Society", In **Institutions, Social Norms and Economic Development**. Chur, Switzerland: Harwood Academic Publishers.
- Platteau, Jean- Philippe, and Anita Abraham, "An Inquiry into Quasi- Credit Contracts: The Role of Reciprocal Credit and Interlinked Deals in Small- Scale Fishing Communities", **Journal of Development Studies**, 23(4): 461-90, 1987.
- Ravallion, Martin, "Reaching the Rural Poor through Public Employment: Arguments, Evidence, and Lessons from South Asia", **World Bank Research Observer**, 6(2): 153-75, 1991.
- Ravallion, Martin, and Shubham Chaudhuri, "Risk and Insurance in Village India: Comment", **Econometrica**, 65(1): 171-84, 1997.
- Reardon, Thomas, Peter Matlon, and Christopher Delgado, "Coping with Household- Level Food Insecurity in Drought- Affected Areas of Burkina Faso", **World Development**, 16(9): 1065-74, 1988.
- Rose, Elaina, "Consumption Smoothing and Excess Female Mortality in Rural India", **Review of Economics and Statistics**, 81(February): 41-49, 1999.
- Rosenzweig, Mark, "Risk, Implicit Contracts, and the Family in Rural Areas of Low- Income Countries", **Economic Journal**, 98(December): 1148-70, 1988.
- Rowenzewig, Mark, and Hans Binswanger, "Wealth, Weather Risk, and the Composition & Profitability of Agricultural Investments", **Economic Journal**, 103(January): 56-78, 1993.
- Rosenzweig, Mark and Oded Stark, "Consumption Smoothing, Migration, and Marriage: Evidence from India", **Journal of Political Economy**, 97(4): 905-26, 1989.
- Rosenzweig, Mark, and Kenneth Wolpin, "Credit Market Constraints, Consumption Smoothing, and the Accumulation of Durable Production Assets in Low-Income Countries: Investment in Bullocks in India", **Journal of Political Economy**, 101(April): 233-44, 1993.